

۱- که او برتر از نام و از جایگاه

۱. All dignity and fame Him lag behind
۲. He can't be even imagined by restricted minds
۳. Our highest ideals doth He all excel
۴. The soul and wisdom only would he weigh

2-I offered up praise and thanksgiving to God for His bounty, and bore with patience the want of shoes.

- سپاس نعمت حق به جای آوردن و بر بی کفشی صبر کردم
- روی از گردش آسمان درهم نکشیده بودم مگر وقتی که پایم برهنه مانده بود
- بخاطر بی کفشی هرگز از دور زمان ننالیده بودم
- نعمت حق را سپاس گفتم و فقط از بی کفشی شکایت کرده بودم

3-I declare by My glory that I will raise him up and make him My interlocutor.

- پیغامبر
- کرامت
- کلیم
- وحی

۴- بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش زیک گوهرند

۱. essence . ۲. creation . ۳. oneness . ۴. jewelry

۵- اعرابی را دیدم در حلقه جوهریان بصره.

۱. assembly . ۲. round . ۳. provision . ۴. despair

۶- لیکن بر رای روشن صاحب‌دلان پوشیده نماند که در موعظه های شافی را در سلک عبارت کشیده است.

۱. pleasant . ۲. admonition . ۳. curative . ۴. enlightened

7-The Sassanians entrusted weighty affairs to petty and ignorant officers.

- کاردانان خرد و نادان
- آل ساسان کارهای بزرگ کرد
- اهل خرد و کاردان
- بی نظیر به رای و تدبیر و خرد و دانش

۸- آن تهی مغز را چه علم و خبر که بر او هیزم است یا دفتر

۱. quadruped . ۲. silly beast . ۳. ignorant . ۴. useless effort

9- Shelter the orphan in your shade

1. به شفقت بیفشانش از چهره خاک
2. پدر مرده را سایه بر سر فکن
3. چوبینی یتیمی سرافکنده پیش
4. مرا باشد از درد طفلان خبر

10- The heaven with these fair and pleasant stars should be beautiful.

1. فهم ظاهری زیباستی
2. اختران نغر و خوش
3. اصل خود یکتاستی
4. نردبان معرفت

۱۱- چو سختی پیشش آید، سهل گیرد

1. When difficulty occurs, bears it easily

2. A person who has accustomed himself to eat sparingly

3. But if in time of prosperity he has been to pamper himself

4. When he meets distress he sinks under it

12- Not a single response is coming from the throne

1. زان همی ترسم که باشم رد باب
2. این همه الله را لبیک کو؟
3. می نیاید یک جواب از پیش تخت
4. گفت لبیکم نمی آید جواب

۱۳- از جمادی مردم و نامی شدم

1. I died from mineral and plant became

2. Died from the plant and took the sentient frame

3. To soar with angel-opinion through the sky

4. Everything shall perish save His face

یا قناعت پر کند، یا خاک گور

۱۴- گفت چشم تنگ دنیا دوست را

1. fortune

2. satisfied

3. contentment

4. security

۱۵- عاملی را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی

1. subject

2. revenue man

3. tax collector

4. agent

۱۶- دو امیر زاده در مصر بودند که یکی علم آموخت و دیگری مال اندوخت.

1. gained wealth

2. got the portion

3. arrived at monarchy

4. acquired money

۱۷- جان نماز

۲. salutation and peace

۱. the soul of prayer

۴. divine unity

۲. format of prayer

۱۸- یکی از علمای راسخ را پرسیدند.

۴. consecrated

۳. devotions

۲. reputable

۱. men of piety

۱۹- درشتی و نرمی

۲. harshness and kindness

۱. wrath beyond measure

۴. severity and authority

۲. estrangement and kindness

۲۰- ای همه هستی ز تو پیدا شده

۱. The uncultivated soil becomes fertile because of You

۲. All creatures are alive, for You want

۳. All we are mortal, Thou immortal art

۴. To us beneficent, in holiness apart

۲۱- قلب من پذیرای همه صورتهاست.

۴. features

۳. tables

۲. forms

۱. shapes

۲۲- مروت نباشد که همه در تسبیح و من به غفلت خفته

۴. wondering

۳. forgetful

۲. recollect

۱. ignorance

۲۳- اگر نان وقف از بهر جمعیت خاطر و فراغ عبادت باشد حلال است و اگر مجموع از بهر نان نشینند حرام.

۴. pious

۳. legal

۲. legitimate

۱. certain

۲۴- شکر نعمت باری تعالی بر من است که میراث پیامبران یافتم.

۴. portion

۳. wisdom

۲. blessing

۱. thank

یا قناعت پر کند، یا خاک گور

۲۵- گفت چشم تنگ دنیا دوست را

۲. greedy eyes

۱. unfair eyes

۴. travelling merchant

۳. worldly man

۲۶- قضا را بر در شهری به تهمت جاسوسی گرفتار آمدند.

۴. prosperity

۳. welfare

۲. hence

۱. accidentally

چون عمل در تو نیست نادانی

۲۷- علم چندان که بیشتر خوانی

property .۴

profit .۳

practice .۲

scholar .۱

۲۸- خموشی حجت ناطق بود جوپای گوهر را

speaking argument .۲

pleased seeker .۱

rosary in hand .۴

touchstone of false .۲

۲۹- امروز به رای و تدبیر و خرد و دانش تو در جهان نظیری نیست.

unique .۴

wisdom .۳

prudence .۲

equal .۱

۳۰- هنوز به وی وحی نیامده بود.

divine token .۲

heavenly order .۱

liberality gift .۴

divine inspiration .۲

پایگاه خبری دانشجویان پیام نور
WWW.PNUNA.COM
« آخرین اخبار دانشگاه پیام نور »
« بانک نمونه سوالات پیام نور »